

تلاشگر

تقویت کننده هوش



نگاه کنی دیگه بیخودی اتفاقاتی رو که مطابق میل نیست نمی اندازی گردن من. یعنی نمی گی بدشانسی آوردی حتی اگر زاویه دید خودت رو عوض کنی، شاید این چه بسا به نفع تو باشه. نمونه اش همین که خودت گفتی. گرچه اردو نرفتن به نظرت بدشانسی بود اما فکر نکردی اگر می رفتی بعدش دیگه موفق نمی شدی تا پنج سال دیگه که عمو ما موریتش تموم بشه و از اون سر دنیا برگردن ننونی عمو را ببینی؟ آن وقت نمی گفتی چه بدشانس بودم رفته ام اردو و عمو را ندیدم؟ حالا دیدی میشه از این زاویه هم دید. پس بی خود از خودت سلب مسئولیت نکن. «خواستم بگویم من هنوز قانع نشدم چرا بعضیا شانشون میاره... که در همین لحظه مامان وارد اتاقم شد و گفت: «ارسلان تنهایی مامان؟ با کی داشتی می زدی؟» از جلو آینه بلند شدم گفتم: «باهیشتی، یعنی با خودم.» مامان با تعجب گفت: «وا باز نشستی جلوی آینه و با خودت حرف زدی که چی بشه؟ بچه مگه تو درس و مشق نداری که گاه و بیگاه میشینی جلوی آینه و با خودت حرف می زنی. نکن این کارا رو ما که شانس نداریم همینم مونده درو همسایه بفهمن تو این کارها رو می کنی حرف دربارن که بچه اش شیرین عقله.» گفتم: «مامان حرف ما بین زمین ها شانس چیه؟ شیرین عقل کیه. حق ندارم جلوی آینه چند کلمه حرف بزنم خب آینه رو گذاشتن آدم عیب هاشو بررسی کنه.» مامان گفت: «والا تا اونجایی که یادمه آینه برای مرتب کردن ظاهر آدمای بوده نه واسه وقت گذرونی و چرت و پرت گفتن. حالا پاشو بیا کارت دارم.» گفتم: «چشم.» وقتی راه افتادم یک لحظه برگشتم به آینه چشمو می زدم و گفتم: «شانس جان از راهنمایی ات ممنونم باز می بینمت.» مامان برگشت و گفت: «باز خیالاتی شدی ارسلا!»



نویسنده و تصویرگر:
حسین کشتکار



شانس ما رو ببین...

گفتم: «اصن میدونی چیه رُک و پوست کنده میگم همه اش تقصیر جنابعالیه.»
گفت: «تقصیر من؟ چرا پرت و پلا میگی؟ اصلاً هم تقصیر من نیست. خودت با ندونم کاری ها ت دردرس درست می کنی اون وقت میندازی گردن من؟»
گفتم: «ببین عزیز من، هم من و هم تو خوب میدونیم مشکل از کجاست؟»
گفت: «مشکل از کجاست؟ هان تو بگو.»
خواستم براش توضیح بدم. چند لحظه ساکت شدم و تو ذهنم به دنبال کلماتی می گشتم که براش واضح و قابل درک باشه. سکوتم رو که دید گفت: «چرا ساکتی؟ هان، دیدی حق یا منه؟» دیدی نتونستی جواب قانع کننده بدی؟ دیدی در مقابل حرف حساب کم می آری، دیدی...» گفتم: «اوی ی ی وایسا بابا صبر کن بگم، نمیداری که، میخوام برای اینکه منظورمو بفهمی یک مثال بزنم بعدش توضیح میدم. ببین، دو هفته پیش قرار بود با بچه های مدرسه برم اردوی یک روزه به کاشان. ولی درست یک شب قبل از اردو خبردار شدیم که چون عمو برای پنج سال مأموریت کاری اش افتاده تو یکی از سفارت های خارج از ایران، برای خداحافظی میخوان از شهرستان بیان تهران خونه ما و من با اینکه خیلی دوست داشتم با دوستانم برم اردو موندم تو خونه.» گفتم: «خوب نمی تونستی اجازه بگیری و بری؟» گفتم: «نه روم نشد بگم.

ترجیح دادم بمونم و نرم.» گفتم: «خب این کجاش تقصیر منه؟» گفتم: «انگار دوزاریت نیفتاد بذار یکی دیگه بگم شاید متوجه بشی که تقصیر من نیست بلکه تو باعث این مشکلات منی.» گفتم: «بگو می شنوم ولی مطمئنم کاملاً در اشتباهی.» گفتم: «یادته تو مسابقه ورزشی دوی سرعت مدرسه برنده نشدم ولی سعید همکلاسیم نفر اول شد، با اینکه من کفش و لباس ورزشی کاملی داشتم اما اون لباس معمولی داشت. حالا متوجه شدی تقصیر من نیست. این بدبختی ها باعثش تویی نه من ای حضرت شانس؟»
شانسم گفتم: «آهان خب، معما چو حل گشت آسان شود. معلوم شد چرا اینقدر به من سرکوفت می زنی.»
اولا باید بگم تو خودت مقصری نه هیچ عامل دیگه. این فکر اشتباه توه که کار دست میده نه من. تو اگر درست و منطقی باشی در کارات موفق میشی. این

* خبر سلامتی
مریض نیمه شب به دکترش زنگ زد. دکتر خواب آلود و سر اسیمه گوشه را برداشت و گفت: «بله؟»
مریض گفت: دکتر جان از نگ زدم بگویم حالم خیلی بهتر است. با خیال راحت بخوابید!

* دندان کیلو چند؟
دندان پزشک: دندان شما خراب است و باید کشیده شود.
مریض: چه قدر طول می کشد؟
دکتر: چند دقیقه.
مریض: هزینه اش چه قدر است؟
دکتر: سی هزار تومان.
مریض: برای چند دقیقه سی هزار تومان؟
دکتر: اگر دوست دارید می توانم بیشتر از چند دقیقه طولش بدهم.

* جهت یابی
فرمانده: سرباز! اگر رو به روی تو شمال باشد و سمت راست شرق و سمت چپ غرب، پشت سرت چیست؟
سرباز: کوله پشتی، قربان!

* خرید عید
قاضی خطاب به دزد: «جرم شما چیست؟»
دزد: من فقط خرید عید را کمی زودتر انجام دادم.
قاضی: خب این که جرم نیست! چه قدر زودتر؟
دزد: قبل از این که مغازه ها را باز کنند

ویژه کودکان

این پسر بچه در حال تمیز کردن خانه و کمک به والدین خود بود که برادرش از او عکس یادگاری گرفت اما آنبا بعد از چاپ عکس متوجه چند اختلاف در دو عکس شدند. آیا شما می توانید اختلاف این تصویر به ظاهر مشابه را پیدا کنید؟



۳ دقیقه فرصت دارید تا به کمک مداد مسیر صحیح رفتن پرنده به سمت گل ها را ترسیم کنید.

